مکتب کپنهاگ: مفاهیم و آموزه ها

دکتر رحمت حاجی مینه

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی،
واحد تهران شرق

مکتب کپنهاگ که با نوشته های باری بوزان از جمله کتاب "مردم، دولت و هراس" در دهه ۱۹۸۰ شکل گرفت، تلاش کرد تا مطالعات امنیتی را از روابط نظامی کشورها فراتر ببرد. برای نیل به این مقصود، اندیشمندان این مکتب: ۱) موضوعات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و محیط زیستی را به حوزه امنیت افزودند، ۲) امنیت را به عنوان مفهومی چند سطحی بازسازی کردند، ۳) نظریه امنیت منطقه ای به هم پیوسته را مطرح و ۴) برای تحلیل و تبیین امنیت، مفاهیم "امنیتی شدن" و "امنیت‌زدایی" را مطرح کردند.
به گفته ویور از اندیشمندان این مکتب، هدف از مطرح کردن مفهوم "امنیتی شدن" و "امنیت زدایی" تحلیل امنیت به شیوه‌ای جدید است، یعنی چارچوب نظری مکتب کپنهاگ علی رغم این که به ارکان اصلی نظریه های سنتی امنیت (تهدیدهای وجودی، بقا) وفادار است، مانند آن ها انعطاف ناپذیر و دگم نیست بلکه بخش های متعددی علاوه بر حوزه نظامی را در برمی گیرد و در این رویکرد، دولت‌ها تنها بازیگران مورد مطالعه نیستند.
در واقع، مفهوم امنیتی شدن را تعدادی از اندیشمندان مؤسسه پژوهشی صلح کپنهاگ[1] به عنوان چارچوبی نظری برای پاسخ به این سؤال که یک پدیده چگونه و تحت چه شرایطی تبدیل به مشکل امنیتی می‌شود، مطرح کردند. این مفهوم در جریان مناظره های امنیتی در طول دهه ۹۰ قرن بیستم ظاهر شد و در کمتر از دو دهه به یک رویکرد مهم مطالعات امنیتی در عرصه آکادمیک تبدیل شد. در این راستا، اندیشمندانی چون باری بوزان، اوله ویور

1. Copenhagen Peace Research Institute(COPRI)

و دانشمندان دیگر مکتب کپنهاگ با معرفی مفاهیم "امنیتی شدن" و "امنیت زدایی" کمک زیادی به توسعه نظری در عرصه مطالعات امنیتی کرده اند.

از دیدگاه مکتب کپنهاگ (CS) یک موضوع عمومی می‌تواند در یک طیف گسترده قرار بگیرد: ۱-غیرسیاسی (زمانی که دولت در یک موضوع دخالتی نمی‌کند)، ۲- سیاسی (زمانی که یک موضوع قسمتی از سیاست عمومی باشدو مستلزم تصمیم گیری حکومت است)،۳- امنیتی شده(زمانی که یک موضوع به عنوان تهدید وجودی معرفی می‌شود و فراتر از سیاست عادی توجیه می‌شود) و ۴- امنیت زدایی (زمانی که یک موضوع به عنوان تهدید تعریف نمی‌شود و دوباره به حوزه عمومی منتقل می‌شود).

از این منظر، سیاسی شدن به این معنی است که موضوعی به طور آشکار مورد بحث و انتخاب در حوزه رسمی قرار بگیرد و در مورد آن تصمیم گیری شود، به گونه ای که برای کارگزاران خود، مسئولیت نیز به همراه داشته باشد. امنیتی شدن نیز حرکت از سیاسی شدن به حوزه امنیت دولت است؛ مرحله‌ای که در آن، موضوع امنیتی شده فراتر از قوانین رسمی دنبال می‌شود.

درجریان امنیتی شدن باید منظومه پنجگانه زیر را درنظر داشته باشیم: هدف مرجع، بازیگران امنیتی کننده، بازیگران کارکردی، مخاطبان هدف،شرایط تسهیل کننده.در این راستا، هدف مرجع چیزی است که فکر می‌شود "به لحاظ وجودی تهدید شده است". گرچه هدف مرجع به طور سنتی دولت بوده است. بازیگران امنیتی کننده اصولاً می‌توانند هر چیزی را به عنوان هدف مرجع (برای مثال هویت ملی، گروه های اجتماعی، افراد) تعریف کنند. بازیگران امنیتی کننده (برای مثال نخبگان سیاسی، حکومت، گروه های فشار و ارتش) کسانی اند که گفتار امنیتی را برای امنیتی کردن یک موضوع اجرا می‌کنند. آنان این اقدام را با معرفی یک موضوع مورد منازعه به عنوان "تهدید وجودی" برای هدف مرجع (برای مثال دولت، ایدئولوژی و حاکمیت ملی) عملیاتی می‌کنند. البتّه باید در نظر داشت که بازیگران امنیتی کننده در این مسیر اغلب منافع شخصی خود را به شیوه ای پنهانی دنبال می‌کنند و به این طریق شانس

- از آنجا که مکتب کپنهاگ، طیف وسیعی از بازیگران و متغیّر ها را در تحلیل و تبیین پدیده ها به ویژه سیاست خارجی مورد توجه قرار می‌دهد، در نتیجه می‌تواند چارچوب نظری جامعی را برای تبیین سیاست داخلی و خارجی کشورها و روابط خارجی آن ها فراهم آورد

برنده شدن در مقابل مخاطبان مورد هدف را دارند.
بازیگران کارکردی، نهادهایی اند که به طور مؤثّری بر تصمیم ها در حوزه امنیت تأثیر می‌گذارند و هرگز به بازیگر امنیتی کننده که هدف مرجع را انتخاب می‌کند و خواستار اقدام امنیتی برای آن می‌شود، تبدیل نخواهند شد. زمانی که بازیگر امنیتی کننده یک موضوع سیاسی سابق را تهدید وجودی برای هدف مرجع می داند، بازیگران کارکردی از جمله رسانه های ارتباط جمعی با تکرار گفتمان حاکم در میان بازیگران امنیتی کننده در این جریان شرکت می‌کنند. به عبارت دیگر، بازیگر کارکردی یک عامل بیرونی تأثیرگذار درسیر امنیتی شدن است یابازیگری است که به اقدام گفتاری امنیتی شدن کمک می‌کند.درنهایت،زمانی که بازیگران امنیتی نمی‌توانند موضوعی را به صورت مستقیم امنیتی جلوه دهند با بهره گیری از سرمایه اجتماعی بازیگران کارکردی برای نیل به این هدف تلاش می‌کنند.
در مورد مخاطبان هدف باید توجه داشته باشیم که آنان فقط توده مردم یا عوام نیستند، بلکه گستره آن می‌تواند از تصمیم گیرندگان سیاسی تا نخبگان دیوان سالار(بوروکرات) یا افسران ارتش تغییر کند. از این رو، "امنیتی شدن" زمانی موفق خواهد بود که مخاطبان هدف، جمعیت محدودتری باشند تا پذیرش تهدید وجودی علیه هدف مرجع عالی، بهتر امکان پذیر باشد.
امّا شرایط تسهیل کننده به عنوان مفهوم پنجم، شامل شرایط داخلی، منطقه ای یا جهانی می‌شود. شرایطی که به بازیگران امنیتی کننده در تعیین موضوع‌های مناسب برای تبدیل شدن به اهداف مرجع و تهدید های وجودی کمک می‌کنند.
نکته دیگر درجریان امنیتی شدن این است که عملیاتی شدن آن، پروسه سه مرحله ای است: نخستین مرحله، تصویر سازی از موضوعی مشخص به عنوان "تهدیدی وجودی" برای هدف مرجع است. در حالی که بازیگر امنیتی کننده در این مرحله بازیگر مسلط است، بازیگران کارکردی و شرایط آسان کننده نیز نقش های مهمی را در به نظر رسیدن تهدید شدن هدف مرجع، ایفا می‌کنند. البته در این مرحله امنیتی شدن به خودی خود انجام نمی گیرد. یک موضوع تنها زمانی امنیتی می‌شود که مخاطبان هدف، آن موضوع را فراتر از مرزهای "سیاست عادی" ببینند و تا زمانی که چنین پذیرشی نباشد،تنها می‌توان از تلاش امنیتی صحبت کرد.

- از دیدگاه مکتب کپنهاگ (CS) یک موضوع عمومی می‌تواند در یک طیف گسترده قرار بگیرد:
۱-غیرسیاسی
۲- سیاسی
۳- امنیتی شده
۴- امنیت زدایی

مرحله دوم امنیتی شدن زمانی تکمیل می‌شود که بازیگران امنیتی کننده، مخاطب را متقاعد کنند که هدف مرجع به طور جدی تهدید شده است. مرحله سوم امنیتی شدن نیز زمانی است که اقداماتی خاص (برای مثال تحریم، جنگ) برای غلبه برتهدیدات مشخص بشود.زیرا با امنیتی خواندن یک موضوع،ادّعای استفاده از ابزار های فوق العاده و اقدامات خارج از رویه های سیاسی نیز ضرورجلوه داده می‌شود.تنها در این مرحله است که می‌توان گفت امنیتی شدن نتایج ملموسی به دنبال داشته و چنین نتایجی امنیتی شدن را اقدامی موفق می سازند.

سرانجام، امنیت زدایی، برگشت به رویه پیشین است، به این معنی که موضوع ها از حالت اضطراری خارج و دوباره به جریان چانه زنی عادی در حوزه سیاسی برمی گردند. به عبارت دیگر،سیری است که در چارچوب آن موضوع های خاص از حوزه فراسیاسی و امنیتی خارج شده و به حوزه سیاست روزمره و عادی برگردانده می‌شوند. دردورهٔ امنیت زدایی، اهداف مرجع امنیتی شده با کمک بازیگران کارکردی تحت شرایط آسان کننده در جهت عکس روند امنیتی شدن، دوباره سیاسی می‌شوند. برای امنیت زدایی باید مخاطبان هدف متقاعد شوند که هدف مرجع از نظروجودی تهدید نشده است و اقدامات پیشین، نتیجه معکوس داده اند.

به طور کلّی می‌توان گفت به این علت که مکتب کپنهاگ، طیف وسیعی از بازیگران و متغیّرها را در تحلیل و تبیین پدیده ها به ویژه سیاست خارجی مورد توجه قرار می‌دهد، در نتیجه می‌تواند چارچوب نظری جامعی را برای تبیین سیاست داخلی و خارجی کشورها و روابط خارجی آن ها فراهم آورد، چارچوبی که استفاده ازآن می‌تواند بسیاری از سازوکارهای مغفول مانده در تحلیل های سنتی امنیت را در نظربگیرد.

منابع:

Analysing desecuritization: the Case of the ,۲۰۱۱ ,Balamir, Coskun, Bezen Israel-palestinian, Peace, education and Water Management, Cambridge, .1-5

Behnke, Andereas, 2006,"No Way Out: Desecuritization, Emancipation and the Eternal Return of Political Trends", Journal of International Relations .and Development, Vol. 9, No.1: 62-69

Buzan, Barry, 2008, People, State and Fear: An Agenda for International Security Studies in the Post- Cold War Era, Second Edition, UK: ECPR .Classical Series

Buzan, Barry, Ole Waver and Jaap de Wilde, 1998, Security: A new .Framework for Analysis, London: Lynne Reinner Publisher

Waver, Ole, 1995, "Securitization and Desecuritization" in Ronnie .Lipschutz, ed, On Security. New York: Colombia Univesity Press